

به نام خداوند جان و خرد

همه امتیازهای این پایان‌نامه به دانشگاه بوعلی سینا تعلق دارد. در صورت استفاده از تمام یا بخشی از مطالب پایان‌نامه در مجلات، کنفرانس‌ها و یا سخنرانی‌ها، باید نام دانشگاه بوعلی سینا (یا استاد یا اساتید راهنمای پایان‌نامه) و نام دانشجو با ذکر مأخذ و ضمن کسب مجوز کتبی از دفتر تحصیلات تکمیلی دانشگاه ثبت شود. در غیر این صورت مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.



دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی  
گروه علوم اجتماعی

پایان نامه:

برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد در رشته جامعه‌شناسی

عنوان:

بررسی تاثیر ناسازگاری پایگاهی بر نگرش‌های سیاسی در همدان

استاد راهنما:

دکتر سلیمان پاک سرشت

استاد مشاور:

دکتر منصوره اعظم آزاده

پژوهشگر:

بهروز صفری

دی ماه ۱۳۸۹



جمهوری اسلامی ایران

دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی  
مدیریت تحصیلات تکمیلی

تاریخ.....

شماره.....

با یاری خداوند بزرگ، جلسه ی دفاع از پایان نامه بهروز صفری به شماره دانشجویی ۸۶۱۳۲۷۹۰۰۴ در رشته ی جامعه شناسی دوره ی کارشناسی ارشد، در روز چهارشنبه مورخ ۸۹/۱۰/۲۲ ساعت ۱۶-۱۴ در سالن سمینار دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینای همدان برگزار گردید.

این پایان نامه با عنوان:

**بررسی تأثیر ناسازگاری پایگاهی بر نگرش های سیاسی در همدان**

مورد تایید هیات داوران قرار گرفت و با نمره ۲۰ و درجه ی عالی به تصویب رسید.

**داوران:**

استاد راهنما:

دکتر سلیمان پاک سرشت

استاد مشاور:

دکتر منصوره اعظم آزاده

استاد داور داخلی:

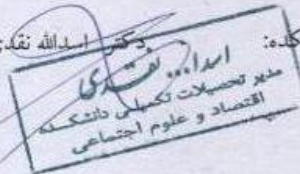
دکتر اسماعیل بلالی

استاد داور خارجی:

دکتر امیر رستگار خالد

ناظر تحصیلات تکمیلی دانشکده:

دکتر اسدالله نقدی





دانشگاه بوعلی سینا  
مشخصات رساله/پایان نامه تحصیلی

عنوان:

بررسی تاثیر ناسازگاری پایگاهی بر نگرشهای سیاسی در همدان

نام نویسنده: بهروز صفری

نام استاد/اساتید راهنما: دکتر سلیمان پاک سرشت

نام استاد/اساتید مشاور: دکتر منصوره اعظم آزاده

دانشکده: اقتصاد و علوم اجتماعی

گروه آموزشی: علوم اجتماعی

رشته تحصیلی: علوم اجتماعی

گرایش تحصیلی: جامعه شناسی

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

تاریخ تصویب: ۱۳۸۹/۳/۲۳

تاریخ دفاع: ۱۳۸۹/۱۰/۲۲

تعداد صفحات: ۱۷۱

چکیده:

عدم تناسب ابعاد مختلف پایگاه اجتماعی با یکدیگر می تواند پیامدهای ویژه ای را چه در سطح فردی و چه در سطح ساختاری ایجاد کند. یکی از پیامدهای ناسازگاری پایگاهی در سطح فردی، تأثیری است که بر نگرش ها و رفتارهای سیاسی انسانها ایجاد می کند. در میان مطالعات گوناگونی که تاکنون در این خصوص انجام گرفته، اتفاق نظر چندانی وجود ندارد اما اغلب این مطالعات بر وجود نوعی نارضایتی در فرد ناسازگار تأکید کرده اند. در این تحقیق اثر ناسازگاری پایگاهی بر نگرش های سیاسی از طریق یک مکانیسم واسط مورد بررسی قرار گرفته است. فرضیه اصلی ما این است که ناسازگاری پایگاهی از طریق ایجاد احساس بی عدالتی در فرد، نگرش های سیاسی خاصی در او ایجاد می کند. ناسازگاری پایگاهی را عدم تناسب رتبه های فرد از حیث درآمد، تحصیلات و منزلت شغلی در نظر گرفته ایم. متغیرهای وابسته عبارتند از: مخالفت با وضع موجود، اقتدارگرایی و انقلابی بودن. فرضیات دیگری نیز طرح شده اند تا تأثیر برخی متغیرهای تعدیل کننده (شامل دینداری، تقدیرگرایی، سن، احساس بی قدرتی، سیاسی بودن و وابستگی به قدرت حاکم) در رابطه میان ناسازگاری پایگاهی و نگرش های سیاسی مورد بررسی دقیق تر قرار گیرد. جامعه آماری از کلیه افراد ۲۳ به بالای منطقه شهری همدان تشکیل شده و حجم نمونه مورد بررسی ۶۰۴ نفر می باشد. یافته ها نشان می دهند که ناسازگاری پایگاهی در جمعیت نمونه شیوع چندانی ندارد. تحلیل داده ها همچنین از رد فرضیه اصلی تحقیق حکایت دارند، یعنی ناسازگاری پایگاهی از طریق احساس بی عدالتی هیچ اثر معناداری بر نگرش های سیاسی ندارد. حتی با کنترل متغیرهای تعدیل کننده نیز تغییری در این امر حاصل نمی گردد. اما هنگامی که انواع ناسازگاری پایگاهی مورد بررسی قرار می گیرند، برخی اثرگذاری ها معنادار می شوند. در میان بازنده ها (کسانی که رتبه آنها در تحصیلات بهتر از رتبه آنها از لحاظ درآمد است)، افزایش ناسازگاری پایگاهی باعث افزایش احساس بی عدالتی شده و این امر موجب بالا رفتن میزان مخالفت با وضع موجود و کاهش اقتدارگرایی می گردد. در مورد برنده ها (کسانی که رتبه آنها از لحاظ درآمد بهتر از رتبه آنها از لحاظ تحصیلات است)، افزایش ناسازگاری پایگاهی به کاهش احساس بی عدالتی و مخالفت با وضع موجود و افزایش اقتدارگرایی منجر می شود. هم در مورد بازنده ها و هم در مورد برنده ها برخی متغیرهای تعدیل کننده تغییراتی در اثرگذاری ناسازگاری پایگاهی بر نگرش های سیاسی ایجاد می کنند. اثرگذاری ناسازگاری پایگاهی بر انقلابی بودن از طریق ایجاد احساس بی عدالتی، در مورد بازنده ها معنادار نیست. در مورد برنده ها افزایش ناسازگاری پایگاهی با کاهش احساس بی عدالتی، باعث کاهش انقلابی بودن می گردد.

واژه های کلیدی: پایگاه اجتماعی، ناسازگاری پایگاهی، نگرش سیاسی، برنده، بازنده.

# فهرست مطالب

## فصل اول: مقدمه

- ۲-۱-۱- مساله تحقیق ۲
- ۲-۱-۲- ضرورت انجام پژوهش ۵
- ۳-۱- سوالات تحقیق ۷

## فصل دوم: ادبیات تئوریک و تجربی تحقیق

- ۱-۲- مقدمه ۱۰
- ۲-۲- مرور ادبیات تئوریک ۱۱
- ۱-۲-۲- نظریه تثبیت پایگاهی لنسکی ۱۲
- ۲-۲-۲- نظریه ناهماهنگی شناختی فستینگر ۱۴
- ۳-۲-۲- نظریه هماهنگی انتظارات سامپسون ۱۴
- ۴-۲-۲- نظریه محرومیت نسبی ۱۵
- ۵-۲-۲- نظریه عدالت توزیعی هومانز ۱۶
- ۶-۲-۲- نظریه تلفیقی گشوندز ۱۷
- ۷-۲-۲- نظریه ناسازگاری پایگاهی اسلومژینسکی ۲۰
- ۸-۲-۲- نظریه بنوا- اسمویان ۲۱
- ۹-۲-۲- سایر نظرات ۲۱
- ۳-۲- مرور ادبیات تجربی ۲۲
- ۱-۳-۲- بنوا - اسمویان ۲۳
- ۲-۳-۲- گرهارد لنسکی ۲۴
- ۳-۳-۲- ایروین کافمن ۲۶

۲۸	۲-۳-۴- جرارد براندمیر
۳۰	۲-۳-۵- سایر مناقشات درباره نتایج لنسکی
۳۱	۲-۳-۶- الخاندرو پورتس
۳۲	۲-۳-۷- برنارد راش
۳۴	۲-۳-۸- رینگر و سیلز
۳۵	۲-۳-۹- استانلی آیتزن
۳۷	۲-۳-۱۰- بائر، آیتزن و دوربی
۳۹	۲-۳-۱۱- دومیترو ساندو
۴۰	۲-۳-۱۲- منصوره اعظم آزاده
۴۰	۲-۳-۱۳- زیاو تیان ژانگ
۴۲	۲-۳-۱۴- جمع بندی از تحقیقات پیشین

### فصل سوم: چارچوب نظری

۴۵	۳-۱- مقدمه
۴۵	۳-۲- چارچوب نظری تحقیق
۵۱	۳-۳- فرضیات تحقیق

### فصل چهارم: روش تحقیق

۵۴	۴-۱- روش تحقیق
۵۵	۴-۲- روش گردآوری داده‌ها
۵۶	۴-۳- جمعیت مورد مطالعه
۵۷	۴-۴- نمونه‌گیری
۵۹	۴-۵- سنجش متغیرها
۶۰	۴-۵-۱- متغیرهای پیشینه‌ای و زمینه‌ای

۶۰	۴-۵-۱-۱-سن
۶۰	۴-۵-۱-۲-جنسیت
۶۰	۴-۵-۱-۳-وضعیت تاهل
۶۰	۴-۵-۱-۳-منزلت قومی
۶۱	۴-۵-۱-۴-درآمد
۶۲	۴-۵-۱-۵-منزلت شغلی
۶۳	۴-۵-۱-۶-تحصیلات
۶۳	۴-۵-۲-متغیر مستقل
۶۸	۴-۵-۳-متغیرهای میانجی و تعدیل کننده
۶۸	۴-۵-۱-۳-احساس بی عدالتی توزیعی
۶۸	۴-۵-۲-۳-احساس بی عدالتی روبه ای
۶۹	۴-۵-۳-۳-احساس بی عدالتی
۶۹	۴-۵-۳-۴-دینداری
۷۱	۴-۵-۳-۵-تقدیرگرایی
۷۱	۴-۵-۳-۶-احساس بی قدرتی
۷۲	۴-۵-۳-۷-وابستگی به قدرت حاکم
۷۲	۴-۵-۳-۸-علاقه به سیاست (سیاسی بودن)
۷۲	۴-۵-۴-متغیرهای وابسته
۷۲	۴-۵-۴-۱-مخالفت با وضع موجود
۷۳	۴-۵-۴-۲-اقتدارگرایی
۷۴	۴-۵-۴-۳-انقلابی بودن
۷۴	۴-۵-۴-۴-خشونت طلبی
۷۵	۴-۶-اعتبار و روایی متغیرها
۷۶	۴-۷-استخراج و آنالیز داده‌ها



- ۷۶ ۴-۷-۱- چک کردن داده‌ها
- ۷۷ ۴-۷-۲- برخورد با داده‌های گمشده
- ۷۷ ۴-۷-۳- آزمون‌های آماری

### فصل پنجم: یافته‌ها

- ۸۱ ۵-۱- بررسی آماره‌های توصیفی
- ۸۱ ۵-۱-۱- آماره‌های توصیفی برای متغیرهای زمینه‌ای و پیشینی
- ۸۵ ۵-۱-۲- آماره‌های توصیفی متغیرهای پایگاهی
- ۹۰ ۵-۱-۳- آماره‌های توصیفی برای متغیرهای میانجی
- ۹۱ ۵-۱-۴- آماره‌های توصیفی متغیرهای تعدیل‌کننده
- ۹۳ ۵-۱-۵- آماره‌های توصیفی متغیرهای وابسته
- ۹۴ ۵-۲- بررسی برخی روابط اولیه میان متغیرها
- ۹۴ ۵-۲-۱- رابطه ناسازگاری پایگاهی و سایر متغیرهای پایگاهی با یکدیگر
- ۹۷ ۵-۲-۲- رابطه ناسازگاری پایگاهی با احساس بی‌عدالتی و گرایش‌های سیاسی
- ۹۹ ۵-۲-۳- رابطه متغیر میانجی با گرایش‌های سیاسی
- ۱۰۰ ۵-۳- بررسی مدل تحقیق
- ۱۰۰ ۵-۳-۱- بررسی اولیه
- ۱۰۱ ۵-۳-۱-۱- مدل تبیین مخالفت با وضع موجود
- ۱۰۲ ۵-۳-۱-۲- مدل تبیین اقتدارگرایی
- ۱۰۳ ۵-۳-۱-۳- مدل تبیین انقلابی بودن
- ۱۰۵ ۵-۳-۲- بررسی مدل با کنترل متغیرهای تعدیل‌کننده
- ۱۱۰ ۵-۴- بررسی انواع ناسازگاری پایگاهی
- ۱۱۰ ۵-۴-۱- شیوه نخست دسته‌بندی انواع ناسازگاری پایگاهی
- ۱۱۲ ۵-۴-۱-۱- رابطه نوع ناسازگاری پایگاهی با احساس بی‌عدالتی

- ۱۱۳ ۵-۴-۱-۲- رابطه نوع ناسازگاری پایگاهی با مخالفت با وضع موجود
- ۱۱۴ ۵-۴-۱-۳- رابطه نوع ناسازگاری پایگاهی با اقتدارگرایی
- ۱۱۵ ۵-۴-۱-۴- رابطه نوع ناسازگاری پایگاهی با انقلابی بودن
- ۱۱۵ ۵-۴-۲- شیوه دوم دسته بندی انواع ناسازگاری پایگاهی
- ۱۱۹ ۵-۴-۲-۱- رابطه نوع ناسازگاری پایگاهی با احساس بی عدالتی
- ۱۲۱ ۵-۴-۲-۲- رابطه نوع ناسازگاری پایگاهی با مخالفت با وضع موجود
- ۱۲۱ ۵-۴-۲-۳- رابطه نوع ناسازگاری پایگاهی با اقتدارگرایی
- ۱۲۳ ۵-۴-۲-۴- رابطه نوع ناسازگاری پایگاهی با انقلابی بودن
- ۱۲۳ ۵-۴-۳- شیوه سوم دسته بندی انواع ناسازگاری پایگاهی (برنده‌ها و بازنده‌ها)
- ۱۲۳ ۵-۴-۳-۱- مقایسه برنده‌ها و بازنده‌ها از لحاظ متغیرهای پایگاهی
- ۱۲۴ ۵-۴-۳-۲- مقایسه برنده‌ها و بازنده‌ها از لحاظ متغیرهای تعدیل کننده
- ۱۲۵ ۵-۴-۳-۳- مقایسه برنده‌ها و بازنده‌ها از لحاظ متغیرهای وابسته
- ۱۲۶ ۵-۴-۳-۱- رابطه ناسازگاری پایگاهی و احساس بی عدالتی با کنترل نوع ناسازگاری
- ۱۲۸ ۵-۴-۳-۲- رابطه ناسازگاری پایگاهی و مخالفت با وضع موجود با کنترل نوع ناسازگاری
- ۱۲۹ ۵-۴-۳-۳- رابطه ناسازگاری پایگاهی و اقتدارگرایی با کنترل نوع ناسازگاری پایگاهی
- ۱۳۱ ۵-۴-۳-۴- رابطه ناسازگاری پایگاهی و انقلابی بودن با کنترل نوع ناسازگاری پایگاهی
- ۱۳۲ ۵-۵- بررسی مدل تحقیق در مورد بازنده‌ها
- ۱۳۲ ۵-۵-۱- بررسی اولیه
- ۱۳۲ ۵-۵-۱-۱- مدل تبیین مخالفت با وضع موجود (بازنده‌ها)
- ۱۳۴ ۵-۵-۱-۲- مدل تبیین اقتدارگرایی (بازنده‌ها)
- ۱۳۵ ۵-۵-۱-۳- مدل تبیین انقلابی بودن (بازنده‌ها)
- ۱۳۶ ۵-۵-۲- بررسی مدل در مورد بازنده‌ها با کنترل متغیرهای تعدیل کننده
- ۱۴۸ ۵-۶- بررسی مدل تحقیق در مورد برنده‌ها
- ۱۴۸ ۵-۶-۱- بررسی اولیه

- ۱۴۸ ۵-۶-۱-۱-مدل تبیین مخالفت با وضع موجود (برنده‌ها)
- ۱۵۰ ۵-۶-۱-۲-مدل تبیین اقتدارگرایی (برنده‌ها)
- ۱۵۱ ۵-۶-۱-۳-مدل تبیین انقلابی بودن (برنده‌ها)
- ۱۵۲ ۵-۶-۲-بررسی مدل در مورد برنده‌ها با کنترل متغیرهای تعدیل کننده

### فصل ششم: نتیجه گیری

- ۱۵۸ ۶-۱-مقدمه
- ۱۵۹ ۶-۲-وضعیت ناسازگاری پایگاهی در جمعیت نمونه
- ۱۶۰ ۶-۳-بررسی مدل کلی تحقیق
- ۱۶۱ ۶-۴-انواع ناسازگاری پایگاهی و اثر آنها بر نگرش‌های سیاسی
- ۱۶۴ ۶-۵-بررسی مدل تحقیق با کنترل برنده یا بازنده بودن
- ۱۶۵ ۶-۶-پیشنهاد برای مطالعات بعدی
- ۱۶۶ منابع فارسی
- ۱۶۸ منابع لاتین

# فصل اول

## مقدمه

### ۱-۱- مساله تحقیق

برای پی بردن به اهمیت قشربندی اجتماعی همین قدر کافی است که بدانیم از آغاز پیدایش زندگی اجتماعی انسان، این مساله وجود داشته است. شاید از همین رو است که مطالعه طبقات و نابرابری‌های اجتماعی جایگاه خاصی در علوم اجتماعی دارد.

با پیچیده‌تر شدن ساختار قشربندی اجتماعی در دوران جدید، توجه اندیشمندان به جنبه‌های غیر اقتصادی ساختار قشربندی جوامع افزایش یافته است. برخی جامعه‌شناسان بر این باورند که رونق اقتصادی در کشورهای غربی پس از جنگ جهانی دوم، باعث جایگزینی مساله منزلت و پرستیژ اجتماعی به جای ایدئولوژی‌های مبتنی بر طبقه شده است (رنдал و استراسر، ۱۹۷۶: ۱). با این وجود اگرچه اهمیت منزلت اجتماعی برای متفکران اجتماعی افزایش یافته اما این به معنای بی‌اهمیت شدن رتبه بندی اجتماعی بر مبنای طبقه اقتصادی نیست. مساله آنجاست که در نیمه دوم قرن بیستم به تدریج توجه به چند بعدی بودن قشربندی اجتماعی افزایش یافت.

یکی از مباحث مهم در قشربندی اجتماعی این است که تا چه اندازه جایگاه افراد در انواع گوناگون سلسله مراتب اجتماعی بر هم منطبق‌اند. امروزه تقریباً بر سر این موضوع توافق وجود دارد که نظام اجتماعی به شیوه‌های گوناگونی به رتبه بندی جایگاه افراد در سلسله مراتب اجتماعی می‌پردازد. توجه خاص به این موضوع از زمان ماکس وبر شروع شد. وی سه شیوه رتبه بندی اجتماعی، یعنی طبقه، حزب و منزلت اجتماعی را از هم متمایز کرد. بنابراین در رویکرد وبر، برخلاف رویکرد مارکسی، نظام قشربندی از ابعاد گوناگونی تشکیل شده است.

پایگاه اجتماعی به جایگاه فرد در نظام قشربندی اجتماعی اطلاق می‌شود. بر این مبنا، پایگاه اجتماعی با میانگین رتبه‌های فرد در این ابعاد گوناگون تعریف می‌شود. ناسازگاری پایگاهی به عدم تناسب در میان ابعاد گوناگون سازنده‌ی پایگاه اجتماعی گفته می‌شود. رتبه هر فرد در هر بعد از ابعاد پایگاه اجتماعی با توجه به ارزش‌گذاری جامعه تعیین می‌شود. چنانچه رتبه فرد در همه ابعاد با هم همبستگی داشته باشند، آن فرد به لحاظ پایگاه اجتماعی سازگار بوده و به عبارت دیگر گفته می‌شود که وی دچار سازگاری پایگاهی<sup>۱</sup> و یا تبلور پایگاهی<sup>۲</sup> است. لنسکی از تبلور پایگاهی با عنوان بعد غیرعمودی پایگاه اجتماعی نام می‌برد (لنسکی، ۱۹۵۴).

بدیهی است که در هیچ جامعه‌ای تبلور پایگاهی به طور کامل حکمفرما نیست، اما شدت و ضعف آن در جوامع گوناگون متفاوت است. رابطه‌ای منطقی میان توسعه ناسازگاری پایگاهی و تضعیف آگاهی طبقاتی در جامعه وجود دارد. ناسازگاری پایگاهی در جوامع پسا صنعتی به خاطر کاهش شمار طبقات کارگر و دهقان و رشد طبقه متوسط اهمیت پیدا کرده است. به طور کلی می‌توان تحرک عمودی را یکی از مهمترین علل ایجاد ناسازگاری پایگاهی در همه جوامع دانست (دوگان، ۲۰۰۰).

با نگاهی به تاریخ ایران می‌توان دریافت که قدرت اقتصادی همواره تابعی از سلطه سیاسی بوده است (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۸۸: ۱۵). ناپایداری قدرت سیاسی همواره باعث تحرک‌های عمودی ناگهانی در

<sup>۱</sup> Status Consistency

<sup>۲</sup> Status Crystallization

ایران شده است. این امر جامعه را از دارا بودن نوعی نظام قشربندی تثبیت شده محروم کرده و خود بر بی‌ثباتی افزوده است. توجه به این مساله را می‌توان در نوشته‌های برخی متفکرین ایرانی دید. به عنوان مثال ظهیری سمرقندی به این نظریه ارسطو اشاره دارد که منسوب به پادشاهان ساسانی بود: «تنزل شان هزار مرد والاتبار بهتر از آن است که یک مرد فروتبار به منصبی والا برکشیده شود چرا که این به آشوب و فاجعه می‌انجامد» (همان: ۱۸). تحرک‌های ناگهانی در دوران معاصر ایران نه تنها متوقف نشده، بلکه بر شدت آن افزوده شده است. وقوع دگرگونی‌های سیاسی پی در پی، باعث شده تا بخشی از جامعه که در پایگاه اجتماعی پایینی بودند، به ناگهان در یک بعد از ابعاد پایگاهی ارتقا یابند. همچنین این دگرگونی‌ها بخش دیگری از افراد با پایگاه اجتماعی بالا را در یک یا چند بعد پایگاهی به پایین رانده است. به نظر می‌رسد که سیکل بسته‌ای در تاریخ ایران دیده می‌شود که در آن، ناسازگاری پایگاهی علت و در عین حال معلول بی‌نظمی و بی‌ثباتی اجتماعی بوده است.

ناسازگاری پایگاهی جایگاه مهمی در جامعه شناسی قشربندی دارد. عدم انطباق ابعاد پایگاهی افراد بر هم پیامدهای حائز اهمیتی چه در سطح فردی و چه در سطح ساختاری به وجود می‌آورد. به عنوان مثال در سطح ساختاری، برخی محققین وقوع انقلاب فرانسه را حاصل عدم تناسب رتبه بورژوازی به لحاظ منزلت اجتماعی و قدرت سیاسی با رتبه آن به لحاظ اقتصادی دانسته‌اند (بنوا-سمویان، ۱۹۴۴: ۱۶۰). در سطح فردی، محققین مختلف به پیامدهایی همچون فشارهای روانی (جکسون، ۱۹۶۲؛ آزاده، ۱۳۷۹)، احساس بی‌قدرتی (بائر و دیگران، ۱۹۷۶)، انزوای اجتماعی (لنسکی، ۱۹۵۶) و... اشاره کرده‌اند. اما یکی از مهمترین پیامدهای ناسازگاری پایگاهی که بسیار مورد توجه صاحب نظران قرار گرفته، پیامدهای سیاسی ناسازگاری پایگاهی است.

جامعه شناسی قشربندی اجتماعی به شکل سنتی علاقه ویژه‌ای به بررسی تاثیرات پایگاه اجتماعی بر روی گرایش‌ها و رفتارهای سیاسی دارد. در چنین مطالعاتی فرض بر این است که جایگاه فرد در سلسله مراتب نظام اجتماعی باعث شکل‌گیری گرایش‌ها خاصی در او می‌شود. مطالعات مربوط به ناسازگاری

پایگاهی نیز به عنوان بخشی از جامعه‌شناسی قشربندی، به این امر توجه ویژه‌ای نشان داده است. بنابراین یکی از پیامدهای مهم ناسازگاری پایگاهی که بسیار مورد توجه محققان قرار گرفته، اثراتی است که ناسازگاری پایگاهی بر نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی افراد می‌گذارد. شکل‌گیری انقلابها و تحولات سیاسی اساسی در یک قرن اخیر در ایران، بیانگر فقدان نوعی ثبات پایدار در نگرشهای سیاسی است. به نظر می‌رسد که این بی‌ثباتی در نگرشهای سیاسی، با آشفتگی در نظام قشربندی اجتماعی مرتبط باشد.

در ایران، نظام قشربندی اجتماعی دچار نوعی به هم ریختگی است. این امر یک تجلی از آشفتگی اجتماعی و یا بنا به تعبیر کاتوزیان ویژگی «کوتاه مدت» بودن جامعه ایران است (کاتوزیان: ۲۰۰۴). دگرگونیهای مکرر سیاسی-اجتماعی باعث شده که جایگاه فرد در سلسله مراتب اجتماعی دچار ناهماهنگی شود. بدین سبب و بنا بر یک پژوهش انجام شده (آزاده، ۱۳۷۹)، به نظر می‌رسد که جامعه ایران در مقایسه با کشورهای توسعه یافته غربی - که نوعی ثبات «دراز مدت» بر آنان حاکم است - از میزان بالاتری از ناسازگاری پایگاهی رنج می‌برد. این امر موجب می‌گردد که مجموع تاثیرات ابعاد گوناگون پایگاه اجتماعی، واریانس کمتری از متغیر وابسته را - در مقایسه با غرب - تبیین کند. بنابراین در تحقیق حاضر، علاوه بر بررسی اثرات پایگاه اجتماعی و تک تک ابعاد آن بر نگرشهای سیاسی، به مطالعه اثر تعاملی این ابعاد بر نگرشهای سیاسی نیز می‌پردازیم.

## ۱-۲- ضرورت انجام پژوهش

اسمیت (۱۹۹۶) معتقد است هر پارادایم جامعه‌شناختی منسجمی باید جایی برای سازگاری پایگاهی در درونش داشته باشد. اگرچه برخی محققان استفاده از مفهوم ناسازگاری پایگاهی را در بسیاری از تبیین‌های اجتماعی سودمند نمی‌دانند اما هنوز بحثها بر سر سودمندی یا بی‌فایده بودن این مفهوم به سرانجامی قطعی نرسیده است. برخی پژوهشگران تردید دارند که ادامه تحقیقات در حوزه ناسازگاری پایگاهی «آیا به زحمتش می‌ارزد؟» (بروان و دیگران، ۱۹۸۸). از سوی دیگر بسیاری از محققان تاکنون از



این مفهوم در تبیین پدیده‌های بسیار متنوعی بهره برده‌اند. آنچه در اکثریت قریب به اتفاق این تحقیقات ملاحظه می‌گردد آن است که مکانیسم اثرگذاری ناسازگاری پایگاهی بر متغیرهای وابسته مورد بررسی قرار نگرفته است. از آنجا که این بحث از اهمیتی اساسی در مطالعات مربوط به قشربندی اجتماعی برخوردار است، به نظر می‌رسد تحقیقات بیشتری باید انجام گیرد تا این جدل‌ها به نتایج مشخص‌تری منتهی گردد.

مهمترین توجیهی که برای ضرورت تحقیق حاضر می‌توان ارائه کرد فقدان بررسی کافی تاثیرات ناسازگاری پایگاهی در ایران است. به جز تحقیق منصوره اعظم آزاده (۱۳۷۹) هیچ اثر دیگری درباره ناسازگاری پایگاهی به زبان فارسی وجود ندارد. با توجه به آنکه متغیرهای وابسته در تحقیق مزبور، متغیرهای روانشناختی می‌باشند، در زمینه تبیین نگرش‌های سیاسی به وسیله ناسازگاری پایگاهی در ایران، تحقیق حاضر منحصر به فرد است.

ضرورت دیگر انجام این پژوهش، به مساله نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی در ایران مرتبط است. آشفتگی اجتماعی موجود در جامعه ایران به بهترین شکل در شیوه‌های رای دادن مردم نمایان می‌شود. شکی نیست که تلاش برای تبیین این رفتارها و سایر رفتارها و نگرش‌های سیاسی در جامعه‌ای که گذار به مدرنیته در آن شباهت چندانی به کشورهای غربی نداشته است از اهمیت بسیار اساسی برخوردار است.

به نظر می‌رسد که یکی از مشکلات پیش روی تحقیقات جامعه‌شناسی قشربندی در ایران برای تبیین سایر پدیده‌های اجتماعی (از جمله نگرش‌های سیاسی) اینجاست که طبقات اجتماعی به شکل کلاسیک در ایران شکل نگرفته‌اند. استفاده از نظریاتی که برخاسته از متن جوامع اروپایی‌اند برای تحلیل رفتار اجتماعی در یک جامعه غیر اروپایی مشکلات عدیده‌ای به وجود می‌آورد. از آنجا که ناسازگاری پایگاهی بیشتر در جوامع در حال گذار و به ویژه در جوامعی که دچار آشفتگی اجتماعی‌اند شایع است، لذا اهمیت چنین تحقیقاتی در جامعه‌ای همچون ایران بیش از جوامع غربی است. در چنین جوامعی به نظر

می‌رسد ناسازگاری پایگاهی یکی از علل و در عین حال پیامدهای آشفتگی اجتماعی بوده و احتمالاً مهمترین جلوه‌ی قابل بررسی آن است.

اهمیت ناسازگاری پایگاهی در جوامع غربی متفاوت از اهمیتی است که این مفهوم در جوامع در حال گذار و خصوصاً جامعه ایران دارا است. آشفتگی اجتماعی یکی از مهمترین موانع شکل‌گیری و دوام هویت ملی است (فریمن، ۱۹۹۸). از این رو بررسی دقیق ناسازگاری پایگاهی نه تنها به درک بهتر نگرش و رفتار سیاسی جامعه ایران کمک می‌کند بلکه احتمالاً به مطالعات درازمدت مربوط به مساله امنیت ملی نیز یاری خواهد رساند.

### ۱-۳- سوالات تحقیق

عدم توافق عام بر سر پیامدهای ناسازگاری پایگاهی و نیز فقدان مطالعات کافی در این زمینه در ایران، باعث می‌شود که این تحقیق خواه ناخواه به جنبه‌های اکتشافی، توصیفی و تبیینی بپردازد. یکی از سوالات ما در این تحقیق، بررسی میزان شیوع و رواج ناسازگاری پایگاهی در جامعه مورد مطالعه است. این مساله جنبه‌هایی از ساختار قشربندی اجتماعی را در جامعه مورد بررسی نمایان می‌سازد. علاوه بر این، به بررسی اهمیت ناسازگاری پایگاهی در تبیین گرایش‌های سیاسی در جامعه مورد مطالعه خواهیم پرداخت. این کار را از طریق مقایسه ناسازگاری پایگاهی با پایگاه اجتماعی در تبیین گرایش‌های سیاسی انجام خواهیم داد. در واقع چنانچه ناسازگاری پایگاهی بتواند اثری بیشتر از پایگاه اجتماعی بر گرایش‌های سیاسی داشته باشد، می‌توان از اهمیت بالاتر آن در تبیین نگرش‌های سیاسی سخن گفت.

بررسی انواع ناسازگاری پایگاهی یکی دیگر از اهداف این تحقیق است. پرسشی که در این زمینه مطرح کرده‌ایم این است که چه نوعی از ناسازگاری پایگاهی در جامعه مورد بررسی مشاهده می‌گردد و میزان شیوع هر یک از آنها به چه میزان است. در گام بعدی به جستجوی پاسخ این پرسش خواهیم بود

که هر یک از انواع ناسازگاری پایگاهی مشاهده شده، بر چه نوع نگرش‌های سیاسی موثر می‌باشند. شاید مهمترین پرسشی که این تحقیق به دنبال پیدا کردن پاسخی برای آن است، چگونگی مکانیسم اثرگذاری ناسازگاری پایگاهی بر نگرش‌های سیاسی است. پرسش‌های تحقیق حاضر به طور خلاصه چنین هستند:

- ۱- میزان شیوع ناسازگاری پایگاهی در جامعه آماری چگونه است؟
- ۲- چه انواعی از ناسازگاری پایگاهی در جامعه آماری می‌توان یافت؟
- ۳- آیا ناسازگاری پایگاهی تبیین‌گر مناسبی برای نگرش‌های سیاسی است؟
- ۴- هر کدام از انواع ناسازگاری پایگاهی با کدام انواع نگرش‌های سیاسی ارتباط دارد؟
- ۵- مکانیسم تاثیرگذاری ناسازگاری پایگاهی بر نگرش‌های سیاسی چگونه است؟

فصل دوم

# ادبیات تئوریک و تجربی تحقیق